



تحلیل فقهی تفاوت در دیه و ارث زنان و مردان

مهران خوش سلوک

دکتری حقوق، مدرس دانشگاه و وکیل پایه یک دادگستری

چکیده

مقدار دیه و ارث زنان و مردان با یکدیگر تفاوت داشته و اصل کلی، اختلاف بین آنها می‌باشد. اما تا ثلث دیه، مقدار آن برای ذکور و اناث یکسان بوده و مازاد بر ثلث دیه، دیه مردان دو برابر دیه زنان می‌شود. همچنین در تقسیم ارث، میزان فرض زوج، دو برابر زوجه بوده و در تقسیم ارث میان فرزندان متوفی در طبقه اول نسب و یا تقسیم ارث در کلاله ابوینی و یا ابی، میزان ارث مردان، بر اساس آیه شریفه «لِلذَّكَرِ مِثْلُ مِثْلِ الْأُنثِیِّینَ» دو برابر زنان محاسبه می‌گردد، هر چند که در تقسیم ارث میان کلاله امی، تفاوتی در سهم الارث بر مبنای جنسیت وراث وجود ندارد. منشاء اختلافات یاد شده را باید در احکام اولیه شارع، اعم از احکام تشریح شده در کتاب و سنت جستجو کرد، لیکن این تفاوت نه از جهت برتری مردان نسبت به زنان بوده؛ بلکه به نظر می‌رسد شارع مقدس به کارکرد اجتماعی مردان در جامعه توجه داشته و براساس این کارکرد، برای میزان دیه و ارث این دو جنس، تفاوت قائل شده است. تلاش‌های بسیاری در جهت یکسان سازی و برابری دیه در مردان و زنان صورت گرفته و در جرایم غیر عمدی، این اختلاف با پرداخت دیه مازاد بر مسئولیت مرتکب، از سوی صندوق تأمین خسارت‌های بدنی، تأمین و جبران می‌شود ولیکن در جرایم عمدی، با وجود نص، تاکنون امکان برابری دیه ممکن نشده و در بحث ارث نیز وجود نص در آیات شریفه سوره مبارکه نساء امکان برابری ارث بین این دو جنس را نمی‌دهد.

واژگان کلیدی: دیه، ارث، جنایات عمدی، جنایات غیر عمدی، صندوق تأمین خسارت‌های بدنی



مقدمه

ممکن است این ابهام تا کنون ذهن شما را نیز درگیر نموده و بخشی از تفکر تان را به خود اختصاص داده باشد، چرا دیه کامل زن و مرد با هم متفاوت است؟ و چرا باید مرد، دو برابر زن از سهم الارث بهره‌مند گردد؟ برخی نیز با تعصب خاصی در مقام اعتراض و یا حتی عناد بر آمده و این ابهام را به اختلاف مبدل نموده و بدان دامن می‌زنند! برای بررسی بهتر، لازم است بدانیم که این تفاوت‌ها کجا، کی و چرا بوجود آمده است؟

در سرزمین عربستان و قبل از ظهور اسلام، زنان به عنوان اشیاء و شاید در زمره پست‌ترین اشیاء قرار داشته و مردان ظلم‌های زیادی را بر آنان روا می‌داشتند. بی‌ارزشی زن بدانجا رسیده بود که نفس و جان او، از بدو تولد تا هر گاه که می‌زیست، هیچ ارزشی نداشت! اعراب بدویدختران نوزاد را زنده به گور می‌کردند، زنان خود را بدون هیچ دلیلی از خود می‌راندند و زنان نگون‌بخت نیز حق هیچگونه اعتراضی نداشتند. چنانچه مردی، همسر خود را به قتل می‌رساند، از دیدگاه اعراب بدوی، خون‌بهایی برای زن وجود نداشت و خون انسانی به راحتی پایمال شده و حق او زایل می‌گشت. از سوی دیگر زندگی سراسر استثمار زنان در میان اعراب دوران جاهلیت بدانجا رسیده بود که اگر مرد عربی از دنیا می‌رفت، همسر و فرزندان او در جمله مایملک متوفی قرار گرفته و اولین مرد عربی که بر روی چادر متوفی تور می‌انداخت، مالک ماترک متوفی شده که همسر او نیز از جمله آن محسوب می‌شد. نحوه زندگی و ازدواج زنان عرب نیز تأسف بار بود، ازدواج‌های اعراب در عصر خود شأن و شخصیت زنان را از بین برده و بی‌ارزش بودن آنان را بیش از پیش به منصفه ظهور می‌رساند.

یکی از ازدواج‌های ننگین که در بین اعراب بدوی رایج بود "ازدواج دسته جمعی" بود. بدان معنا که چند مرد با زن واحدی ازدواج می‌کردند که اگر واقع بینانه به موضوع دقت کنیم خواهیم دید که زن واحد، فقط وسیله‌ای برای لذت گروهی مردان بود و نه چیز دیگر.

نوع دیگر از ازدواج‌های رایج در آن عصر، "ازدواج شغار" نام داشت. در این ازدواج، مردی با دختر و یا خواهر مرد دیگری ازدواج می‌کرد و مهریه زوجه آن بود که دختر و یا خواهر مرد اول نیز باید با مرد دوم ازدواج نماید. در این ازدواج، شرط ازدواج ضربداری الزامی بود بدون آنکه دختران مجاز به ارائه نظر درباره ازدواج خود باشند. در حقیقت رضایت یا عدم رضایت دختر، به هیچ وجه مورد توجه قرار نمی‌گرفت.

برخی از اعراب نیز زنان خود را در اختیار میهمانان خود قرار داده تا به اصطلاح خود، رسم میهمان‌نوازی را به جا آورند. گروه دیگری از اعراب نیز همسر خود را در اختیار بزرگ یا جنگجوی برتر و یا پهلوان قوم و قبیله خود قرار می‌دادند تا فرزندی جنگجو از نزدیکی پهلوان و زن به وجود آید. مرد عرب هر گاه که اراده می‌کرد زن را از خود رانده و او



را اخراج می‌کرد. نفقه و یا مهریه ای برای زنان در نظر گرفته نمی‌شد و زنان بهره‌ای از ارث نداشته و در تقسیم ارث، هیچ سهمی به آنان تعلق نمی‌گرفت.

این موارد نه تنها در سرزمین بربری عربستان دیده می‌شد؛ بلکه در پادشاهی ایران باستان و نیز امپراتوری روم شرقی با شدت کمتری مشاهده می‌گردید. در ایران و روم نیز زن دارای شخصیتی والا نبود و از نظر شأن اجتماعی در جایگاه پایینی قرار داشت، هر چند زنان در این دو پادشاهی، به اندازه‌ی زنان در قبایل اعراب فاقد جایگاه نبود، لیکن جایگاه وی به طور صد در صدی نادیده گرفته نمی‌شد که لزومی به ذکر آن دیده نمی‌شود.

پس از ظهور اسلام، رفته رفته زنان دارای مقام و شخصیت شدند و حقوق پایمال شده آنان به نوعی احقاق شد ولی در میان اعرابی که زن را هیچ نمی‌دانستند، پذیرش از بین رفتن این فاصله طبقاتی، کاری بس دشوار بود و چنانچه حقوق زنان بلافاصله پس از اسلام احیا می‌گردید، بسیاری از اعراب، مسلمان نمی‌شدند. رسوم اعراب در خصوص انواع ازدواج نسخ و باطل گردید و زنان به جایگاه انسانی خود بازگشتند. زن تنها می‌توانست همسر یک مرد باشد. مشکلات اختلاط و امتزاج نسل‌ها منتفی شد. وی دارای نفقه و مهریه گشت و برای زنی که حقی در سهم الارث نداشت سهمی مشخص شد که این سهم نصف سهم یک مرد بود. حال چه توجیهی برای این مقدار مد نظر شارع بوده محل بحث است که در محل مناسب به آن خواهیم پرداخت.

بحث دیگری نیز در خصوص دیه وجود دارد که بسیاری از فرصت طلبان از آن سود جسته و اختلاف دیه زن و مرد را به عنوان حربه‌ای در جهت عناد ورزی مورد استفاده قرار داده و داعیه‌ی اختلاف زن و مرد را سر می‌دهند. در این مقاله ضمن بررسی علل اختلاف دیه و ارث زنان و مردان به تشریح مختصر آیات و روایات پرداخته شده است و در خصوص برابری دیه زن و مرد نیز به دلیل اهمیت موضوع، نظر نگارنده به رشته تحریر درآمده است.

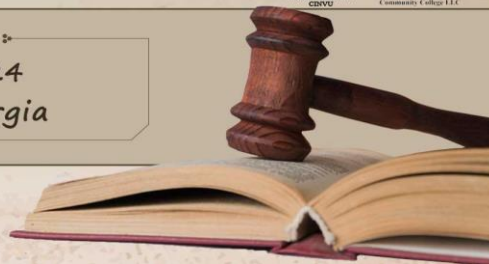
مبانی تحقیق

تحقیقات مختلفی در باب اختلاف دیه بین زنان و مردان و نیز ارث در میان این دو مخلوق پروردگار انجام شده است که اغلب به طور مجزا از یکدیگر مورد مذاقه قرار گرفته است؛ چرا که بحث دیات، در قوانین و فقه جزایی تشریح شده و مبحث ارث در فقه حقوقی مورد تشریح قرار گرفته است. قوانین مربوط به ارث در قانون مدنی درج شده است و قوانین مربوط به دیات، در قانون مجازات اسلامی قانونگذاری شده است. لذا کمتر پژوهشی به طور هم زمان به موضوع پرداخته است.

روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله توصیفی-تحلیلی بوده که به بررسی آیات الاحکام و سنت در موضوعات پژوهش می-پردازد و ضمن تحلیل، احکام وضع شده را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد.

فصل اول - مفاهیم و کلیات



الف) ديه

در کتاب ديه از دكتر عوض احد ادریس در تعریف ديه از دیدگاه فقهای شیعه آمده است: «دیه، نام مالی است که به سبب جنایت بر نفس یا عضو واجب می شود» (ادریس و فیض، ۱۳۷۷). دكتر ابوالقاسم گرجی در کتاب دیات، ديه را بدین شرح تعریف کرده اند: «دیه مالی است که پرداخت آن به سبب قتل و یا وقوع جنایت بر عضو برعهده جانی و یا قائم مقام او می باشد و باید آن را به مجنی علیه و یا ولی او ادا کند» (گرجی، ۱۳۸۰). همچنین بیان داشته اند: «به مالی که بر اثر جنایتی بر نفس یا عضو واجب می شوند ديه می گویند». (گرجی، ۱۳۸۰)

در ترمینولوژی فقه در خصوص تعریف ديه آمده است: «دیه عبارت است از مالی که بر جانی واجب است آن را به سبب جنایتی که بر انسان آزاد وارد ساخته است پرداخت کند. خواه جنایت بر نفس بوده و یا جنایت بر اعضاء باشد». (مسجدسرایي، ۱۳۹۳)

در تحریر الوسيله حضرت امام خمینی (ره) ديه در کتاب دیات بدین شرح تعریف شده است: «و هی المال الواجب بالجنايه علی الحرّ فی النفس او مادونها». (خمینی، ۱۳۸۴)

دیه در فقه جزایی به ديه مقدر و ديه غیر مقدر (ارش جزایی) تقسیم بندی شده است که قانونگذار در مواد ۴۴۸ و ۴۴۹ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ به تعریف هریک از مصادیق فوق پرداخته است. که به تعریف مندرج در ماده ۴۴۸ اکتفا می شود.

ماده ۴۴۸: «دیه مقدر، مال معینی است که در شرع مقدس به سبب جنایت غیر عمدی بر نفس، عضو یا منفعت، یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد، مقرر شده است».

ب) ديه زن

از دیدگاه اکثر فقها، ديه زنان و مردان تا ثلث ديه کامل باهم برابر بوده و مازاد بر ثلث ديه، ديه زن نصف ديه مرد می شود، لیکن قانونگذار در ماده ۵۶۰ از قانون مجازات اسلامی، مصوب سال ۱۳۹۲، غایت را داخل در مغیاً (مغیاً) ندانسته و ديه مردان و زنان را تا کمتر از ثلث، با هم مساوی در نظر گرفته و در صورتی که ديه به ثلث یا افزون بر ثلث برسد، ديه زن را نصف ديه مرد دانسته است.

ماده ۵۶۰: «دیه زن و مرد در اعضاء و منافع تا کمتر از ثلث ديه کامل مرد یکسان است و چنانچه ثلث یا بیشتر شود ديه زن به نصف تقلیل می یابد».

در مباحث مطروحه در درس خارج اصول، بیان می شود در صورتی که غایت از جنس مغیاً باشد، داخل در مغیاً است. در یکی از مباحث درس خارج اصول آیت الله سید احمد خاتمی در این خصوص بیان شده: «اگر غایت داخل در مغیاً



باشد، حد داخل در محدود باشد، حکم مغیاً را دارد، مانند فاغسلوا و جوهکم و ایدیکم الی المرافق، اما اگر غایت داخل در مغیاً نباشد بیرون است یعنی حکم مغیاً را ندارد.

اگر غایت از جنس مغیاً باشد، داخل در حکم مغیاً است و اگر غایت از جنس مغیاً نباشد خارج از حکم مغیاً است.

آنجا که غایت از جنس مغیاً باشد مانند ﴿فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ﴾، هم غایت و هم مغیاً هر دو غسل هستند بنابراین مرفق هم جزء غسل است و باید آنجا را هم شست.

و بین آنجا که غایت از جنس مغیاً نباشد مانند ﴿أَتَمُّوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ﴾؛ الی اللیل غایت پایان پذیرفتن روزه هست. مغیاً روزه داری هست و غایت روزه نداشتن است، جنس صوم مقطعی برای نخوردن است و جنس لیل مقطعی برای خوردن است، بنابراین خارج از حکم مغیاً هست. (خاتمی، ۱۴۰۱) همچنین در درس خارج اصول از آیت الله محمد جواد فاضل لنکرانی نیز در این خصوص آمده است: «اگر غایت از جنس مغیاً باشد، داخل است اما اگر از جنس مغیاً نباشد، خارج است». (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۴)

در اقوال دیگری که بین علمای اصول مطرح شده است، استعمال واژه «حتی» و «الی» می باشد. هرگاه واژه «حتی» در کلام فقیه و اصولی وارد شده باشد؛ غایت داخل در مغیاً بوده و در غیر این صورت خارج از مغیاً است. آیت الله فاضل لنکرانی در درس خارج اصول خود در سال ۱۳۸۴ قائل به این موضوع شده‌اند. (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۴) آیت الله مظاهری نیز در درس خارج اصول خود، با این نظر موافق بوده و بیان داشته‌اند: «مغنی بین «حتی» و «الی» فرق می گذاشت و می گفت: در «الی» غایت داخل در مغیاً نیست، ولی در «حتی»، غایت داخل در مغیاً است». (مظاهری، ۱۳۹۶) حضرت امام خمینی (ره) نیز در مسأله (۲۷) از کتاب دیات مرقوم داشته‌اند: «تساوی المرأه و الرجل فی الجراح قصاصاً و دیه حتی تبلغ ثلث دیه الحر، فینتصف بعد ذلك دیتها». (خمینی، ۱۳۸۴) همچنین در مسأله (۷) از المقصد الثالث فی الشجاج و الجراح مرقوم فرموده‌اند: «المرأه تساوی الرجل فی دیات الاعضاء و الجراحات حتی تبلغ ثلث دیه الرجل، ثم تصیر علی النصف». با وصف مراتب یاد شده حضرت امام خمینی (ره)، در تحریر الوسیله نیز دیه مرد و زن را تا ثلث برابر و مازاد بر آن، دیه زن را نصف دیه مرد مورد حکم قرار داده‌اند. در مباحث الفقهیه نیز در این خصوص آمده است: «دیه المرأه النصف من ذلك كله ... و كذا الجراحات و الاطراف علی النص، مالم يقصر عن الثلث الدیه فیتساویان». (ذهنی تهرانی، ۱۳۷۱) علت طرح این مسائل فقهی و اصولی، رعایت حال بانوان در برابری میزان دیه تا ثلث بوده و نسبت به مازاد بر ثلث، بین فقها اختلافی نیست؛ همانگونه که در نصف بودن دیه کامل زن نسبت به دیه کامل مرد، اختلافی بین کافه فقها وجود ندارد. حتی در روایت أبان بن تغلب از امام صادق (ع) نیز همین موضوع مستفاد می گردد: حضرت فرمود: یا أبان،

این حکم، حکم رسول خدا(ص) است که: «... المرأة تعاقل الرجل الى ثلث الديه، فاذا بلغت الثلث رجعت الى النصف» (گرجی، ۱۳۸۰).

پ) ارث

و اما یکی دیگر از تعاریفی که در این مقاله به آن پرداخته شده است، واژه «ارث» بوده که در ترمینولوژی فقه بدین شرح تعریف شده است: «ارث به حقی گفته می‌شود که از شخص میت به شخص زنده حقیقی یا حکمی منتقل می‌شود». (مسجدسرای، ۱۳۹۳)

با استناد به ماده ۸۶۱ قانون مدنی: «موجب ارث دو امر است نسب و سبب» که مستند به ماده ۸۶۴ همان قانون: «از جمله اشخاصی که به موجب سبب ارث می‌برند هر یک از زوجین است که در حین فوت دیگری زنده باشد». لذا یکی از مصادیق ارث به موجب سبب، زوجیت و عقد نکاح دائم بین زوجین (ماده ۹۴۰ قانون مدنی) بوده به شرطی که هر یک از زوجین (وارث) در حین فوت دیگری (مورث) زنده باشد چرا که با توجه به ماده ۸۷۵ همان قانون، شرط وراثت، زنده بودن وارث حین فوت مورث می‌باشد. دو برابر بودن ارث زوج نسبت به زوجه بر اساس حکم اولیه و نص آیه شریفه ۱۲ از سوره مبارکه نساء می‌باشد بدین دلیل علتی برای نسخ آن وجود نداشته و الی الابد این حکم لازم الاجرا و لازم الاتباع می‌باشد و به دلیل مخالفت شرع، امکان تغییر قوانین موضوعه در این خصوص وجود ندارد.

در مورد فرض تشریح شده در خصوص تفاوت ارث ذکور و اناث نیز در نص آیه شریفه ۱۱ از سوره مبارکه نساء شارع مقدس حکم خود را بدین شرح صادر نموده است: «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ: خداوند درباره فرزندانان به شما سفارش می‌کند که سهم (میراث) پسر، به اندازه سهم دو دختر باشد». با این وصف این حکم اولیه شارع نیز غیرقابل تغییر می‌باشد.

فصل دوم- مبنای تفاوت در ارث و دیه مردان و زنان

تفاوت در ارث زن و مرد و همچنین تفاوت در میزان دیه زنان و مردان موضوعی است که از یک سو تبعیت از حکم شرعی را در پی دارد، چرا که شارع، حکیم است و حکم شارع از روی حکمت صادر شده است و از سوی دیگر مبنای مخالفت مخالفین بوده و عدم برابری ارث و دیه را اجحاف حقوق زنان می‌دانند.

الف) مبنای تفاوت در ارث زنان و مردان:

پیش تر در مقدمه بیان شد که در زمان تشریح احکام مربوط به ارث و دیه، اعراب و بسیاری از کشورها، نسبت به عدم استحقاق این حقوق به زنان، عقاید مشابهی داشتند. در میان اقوام عرب نیز، نه ارثی به زنان تعلق می‌یافت و نه مستحق دریافت دیه بودند. در آیه شریفه ۷ از سوره مبارکه نساء، شارع متعال، خط بطلان بر افکار غلط اعراب جاهلی کشیده و استحقاق ارث زنان را تشریح نموده است: «لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا: برای مردان، از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان از خود بر جای می‌گذارند،



سهمی است و برای زنان نیز، از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان می گذارند، سهمی؛ خواه آن مال، کم باشد یا زیاد؛ این سهمی است تعیین شده و پرداختنی». همچنین استحقاق و میزان ارث زوجین نیز در بخش اول آیه ۱۲ از همان سوره بدین شرح تشریح شده است: «وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمْ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَّ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوَصِّينَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَلَهُنَّ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَتُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمْنُ؛ و برای شما، نصف میراث زنانان است، اگر آنها فرزندی نداشته باشند و اگر فرزندی داشته باشند، یک چهارم از آن شماست؛ پس از انجام وصیتی که کرده اند، و ادای دین (آنها)، و برای زنان شما، یک چهارم میراث شماست، اگر فرزندی نداشته باشید و اگر برای شما فرزندی باشد، یک هشتم از آن آنهاست». در باب میزان سهم ذکور و اناث نیز همانگونه که پیش تر بیان شد، در آیه ۱۱ از سوره مبارکه نساء حکم شارع بر مکلفین تشریح شده است.

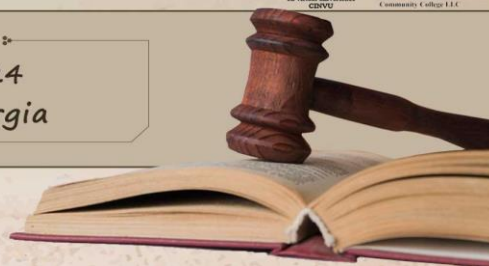
ب) مبنای تفاوت در دیه زنان و مردان:

در دو برابر بودن (ضعف) دیه کامل مردان نسبت به زنان، اجماع فقها وجود داشته و کافه فقها نسبت به این موضوع اختلافی ندارند و در خصوص تفاوت در دیه ذکور و اناث در کمتر از ثلث دیه کامل نیز به روایت أبان بن تغلب از امام صادق (ع) استناد کرده اند که حضرت فرمودند: یا أبان، این حکم، حکم رسول خدا (ص) است که: «... المرأه تعادل الرجل الی ثلث الدیه، فاذا بلغت الثلث رجعت الی النصف». (گرجی، ۱۳۸۰). با توجه به موضوعات ذکر شده، لازم است تا به علل اختلافات یاد شده پرداخته شود.

فصل سوم- چرا شارع در دیه و ارث زنان و مردان تفاوت قائل شده است؟

ادعان خواهید نمود که در اقصی نقاط جهان، وظیفه نان آوری خانواده بر عهده مردان است و " اصل غلبه " اشعار بر این موضوع دارد. به همین دلیل مرد بعنوان نیروی اصلی کار و بعنوان فردی معرفی می شود که با کار خود کسب درآمد نموده و مایحتاج خانواده را تأمین می نماید. شاید این سؤال در ذهن خواننده مطرح شود که بسیاری از زنان نیز شاغل بوده و کسب درآمد می نمایند که در پاسخ ذکر می نمایم " اصل غلبه " نگاه به اکثریت دارد نه اقلیت و بدین دلیل است که همگان مرد را نان آور خانواده می دانند؛ لیکن منکر کسب و کار و درآمد زنان نبوده و نیستیم.

حال اگر مردی که وظیفه وی کار، کسب درآمد و رفع حوائج خانواده می باشد بواسطه جنایتی از دنیا برود، اولین آسیبی که به خانواده وارد می شود، آسیب مالی و اقتصادی است یعنی باز هم اصل غلبه این چنین حکم می نماید که اگر مرد خانواده کشته شود، خانواده وی با مشکل اقتصادی مواجه خواهد شد. با این توضیح دیه کاملی که به خانواده مقتول تعلق می گیرد می تواند به نوعی معضل اقتصادی خانواده را از بین برده و یا سرمایه ای برای آینده خانواده باشد. حال فرض کنید جنایتی بر زن خانواده - بطور مثال مادر خانواده- وارد شده و موجب فوت وی گردد. در پاسخ به این سؤال که مهمترین ضربه ای که به خانواده وارد می شود، ضربه مادی است یا معنوی؟ باید بیان داشت با عنایت به این که طبق اصل غلبه، اکثر زنان خانه دار هستند، لذا ضربه وارده به خانواده، ضربه معنوی بوده و خلاء عاطفی بزرگی، خانواده را در



بر می گیرد که با هیچ مبلغی قابل جبران نیست. به بیان دیگر احساسات و عاطفه را نمی توان قیمت گذاری نموده و با وجه نقد جبران کرد. ولی چرا شارع مقدس برای جبران این جنایت دیه پیش بینی نموده است؟

اگر شارع، دیه ای پیش بینی نمی کرد که زبان مخالفان و معاندان درازتر می شد و قائل به بی ارزش بودن زن و حقوق زنان در اسلام می شدند. پس یکی از دلایل وجوب دیه برای زنان این است که آنان "احساس نکنند" که دین مبین اسلام ارزشی برای آنان قائل نیست. لازم است بانوان با نگرشی واقع بینانه حس کنند که هیچ تفاوتی بین زنان و مردان وجود نداشته و تغییر میزان دیه در انواع جنایات متأثر از کارکرد زن و مرد در خانواده و شاید به نوعی در اجتماع است.

با وصف مراتب یاد شده، دیه به ارزش افراد وابسته نیست. آیت الله جوادی آملی در صفحات ۱۵۰ و ۱۵۱ از کتاب زن در آینه جلال و جمال آورده اند: «اینکه در قرآن کریم انسان‌هایی نظیر عالم و جاهل مساوی دانسته نشده و دیه آنها برابر است نتیجه می گیرد که دیه به ارزش افراد وابسته نیست و تساوی دیه عالم با جاهل نه بر منزلت جاهل اضافه می کند و نه از مقام عالم می کاهد، در زن و مرد نیز این گونه است.» (جوادی آملی، ۱۴۰۰)

سؤال دیگری مطرح می شود، آیا زنان در بیرون از منزل کار نمی کنند؟ و آیا زنان نمی توانند نان آور خانواده باشند؟ در پاسخ به این سؤال باید بیان کنیم که هم برخی از زنان شاغل بوده و هستند و هم برخی از بانوان، نان آور خانواده می باشند ولی همان گونه که بیان شد "اصل غلبه" نگاه به اکثریت می نماید. یعنی با استناد به این اصل، اکثر زنان خانه دار بوده و اقل زنان شاغل هستند، در نتیجه حکم اکثریت بر کلیه افراد مجموعه مستولی می شود یعنی حکم به خانه دار بودن زنان داده می شود و بالعکس این موضوع در مردان مطرح شده و حکم به نان آور بودن آنان می شود. از سوی دیگر قانون نیز مفهومی کلی است که دارای مصادیق فراوانی بوده و به اکثریت توجه می نماید. پس قانون موضوعه نیز با نگاه به اکثریت وضع شده که بر همه مصادیق جاری و ساری می گردد، چه به نفع همه باشد چه به نفع اکثریت.

نکته قابل توجه دیگر آن است که در حالت معمول، اثبات نان آور بودن زنان بسیار سخت است، از نگاه دیگر، اگر بر زنی جنایتی وارد شود که مستوجب دیه باشد، خانواده وی به هر کاری دست می زنند تا مثلاً ثابت نمایند که او نان آور بوده و نتیجه اینکه موفق به دریافت دیه بیشتری گردند، که این مسأله به نوبه خود دردسرهایی برای جامعه و دستگاه قضایی بوجود می آورد و به تبع آن جرایم دیگری در جامعه افزایش می یابد که از جمله آنها می توان به افزایش سوگند دروغ، افزایش شهادت دروغ، جعل، استفاده از اسناد مجعول و ... اشاره نمود. چرا که برای اثبات نان آور بودن بانویی، هم ادعای اولیاء دم ممکن است کذب باشد و هم شهادت شهود!

از دیگر سئوالاتی که در این عرصه مطرح می گردد، آن است که چرا دیه همه زنان با مردان برابر نگردد، چه زنان نان آور خانواده باشند و چه نباشند؟

در پاسخ به این پرسش باید بیان کنیم که اگر برابری دیه کامل همه زنان و مردان محقق گردد، در آن صورت کارکردهای اقتصادی خانواده نادیده انگاشته شده و بهم می ریزد و در صورت بروز جنایت بر روی زنی در یک



خانواده (بطور مثال قتل زن مزبور) اخذ دیه برای بهبود و یا تغییر وضعیت مالی خانواده مد نظر قرار خواهد گرفت که این مسأله نوعی سودجویی محسوب می‌گردد، ضمن اینکه معروض گردید دیه‌ی در نظر گرفته شده برای مردان، در جهت جبران بخشی از خسارت مالی خانواده تشریح شده است.

با نگاهی دیگر باید بیان نمود که پرداخت دیه برای بسیاری از مردم جامعه بسیار دشوار بوده و محکومین به دیه در زندان‌ها کم نبوده و نیستند، حال اگر برای همه زنان نیز دیه کامل در نظر گرفته شود، این آمار به طرز قابل توجهی افزایش خواهد یافت و تعداد افرادی که بدلیل عدم تمکن مالی در جهت پرداخت دیه، روانه زندان می‌گردند، روز به روز بیشتر خواهد شد. در صورت برابری دیه زنان و مردان، از آنجایی که مسئولیت پرداخت دیه در جنایات غیر عمدی، حسب نوع جنایت برعهده‌ی جانی و یا عاقله وی خواهد بود، در جرایم غیر عمد، مابه‌التفاوت دیه زن و مرد از اهداف پرداخت صندوق تأمین خسارت‌های بدنی خارج شده و علی‌الخصوص در جرایم شبه عمد باید توسط شخص قاتل پرداخت گردد که این مهم، موجبات افزایش فشار مالی بر مردم را نیز در پی خواهد داشت. به این نکته پرداخته خواهد شد که مابه‌التفاوت دیه زن و مرد در جنایات غیر عمدی توسط صندوق تأمین خسارت‌های بدنی پرداخت می‌گردد.

سؤال دیگری که در این خصوص پرسیده می‌شود آن است که چرا دیه یک نوزاد مذکر و یا یک پسر نوجوان یا پسر نابالغ، دیه کامل است در صورتی که زن حتی اگر بالغ بوده و یا سنی از او گذشته باشد، باز هم دیه‌اش نصف دیه یک نوزاد پسر است؟

پاسخ به این سؤال نیز با کمی تأمل، مشخص می‌شود. وقتی که می‌گوییم دیه کامل یک مرد، جنس مرد را مدنظر داریم نه شخص مذکر خاصی که دارای شرایط سنی خاص باشد. کلمه مرد، اسم عام است که شامل تمام مصادیق خود، اعم از نوزاد، کودک، نوجوان، جوان، بزرگسال، میانسال و سالخورده می‌گردد. کلمه زن هم همچنین است که تمام مصادیق خود را در بر می‌گیرد. پس اگر شارع دیه زن را نصف دیه مرد تعیین نموده است، یعنی به تمام مصادیق این اسم عام، نیمی از دیه مرد تعلق خواهد گرفت.

بعضی دیگر نیز ادعا می‌نمایند که دیه خون بها است و اگر فردی عمداً جنایتی را بر دیگری وارد نماید و مجنی‌علیه و یا اولیاء دم، تقاص ننموده و تقاضای دیه نمایند، جانی، خون بهای جنایت خود را خواهد پرداخت و نباید خون بهای دو انسان یعنی زن و مرد با یکدیگر تفاوت داشته باشد، چرا که این مصداق بارزی از تبعیض بوده و حقوق زنان را تضییع می‌نماید.

پاسخ این سؤال‌کنندگان نیز روشن است. "دیه" خون بها نیست، بلکه مجازاتی مالی است که شارع برای برخی از جرایم در نظر گرفته است و آنانی که دیه را خون بها می‌دانند، سخت در اشتباه هستند، زیرا اعراب جاهلی برای خون، قیمت قائل شده و دیه را خون بها می‌دانستند در برگردان دیه در زبان انگلیسی نیز واژه "Blood Money" بیان شده است که معنای لغوی، به عنوان «بهای خون» مدنظر نبوده، بلکه منظور نظر از آن، «دیه» است. از دیدگاه قانونگذار

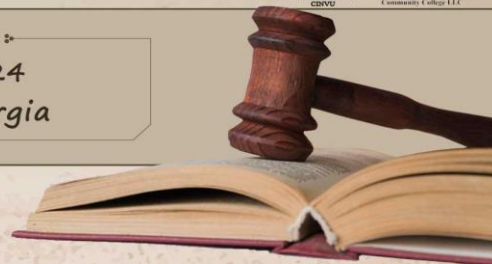


اسلامی، دیه یکی از انواع مجازات و به اصطلاح مجازات مالی می‌باشد و با وصف اینکه خداوند متعال فرموده‌اند «اگر کسی دیگری را عمداً به قتل رساند همانند این است که کل مردم کره زمین را به قتل رسانده است»، آیا می‌توان برای خون یک انسان قیمتی قائل شد؟ بطور یقین پاسخ شما نیز "خیر" می‌باشد، چرا که در آن صورت یک دیه چند صد میلیون قیمت خون تمامی مردم کره زمین خواهد بود!

در مبحث ارث نیز با استناد به آیه شریفه ۱۱ از سوره مبارکه نساء خداوند متعال تشریح فرموده‌اند: «لذکر مثل حظ الانثیین : سهم [ارث] برای هر مرد مثل سهم و بهره‌ی دو زن است». این آیه شریفه را بسیاری از بهانه جویان مستمسک قرار داده و قائل به تبعیض بین زنان و مردان شده‌اند. آیه شریفه ۱۲ از سوره مبارکه نساء نیز سهم الارث زوج و زوجه را تعیین نموده که آن هم حربه‌ای برای این دسته از افراد قرار گرفته و مصراً قائل به تبعیض هستند که به ذکر پاسخ هر بخش می‌پردازیم.

پیرامون کارکردهای زن و مرد در خانواده و جامعه سخنانی تقدیم گردید، در این مبحث نیز اولین دلیل ما بر اختلاف سهم الارث زنان و مردان، همین تفاوت در کارکرد است. چنانچه سهم الارث کامل به مردی برسد، اگر مجرد باشد، این سهم بعنوان سرمایه آینده‌ی زندگی مورد استفاده قرار خواهد گرفت و چنانچه متأهل و صاحب همسر و فرزند باشد سهم- الارث، در جهت بهبود وضعیت خانواده مورد استفاده قرار می‌گیرد. چرا که طبق "اصل غلبه" تأمین مالی خانواده بر عهده مرد می‌باشد و مستند به ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی، تأمین نفقه زوجه و با قیاس منصوص العله، نفقه اولاد بر وی واجب است و چون زنان دارای این وظیفه نیستند و با استناد به ماده ۱۱۱۸ قانون مدنی، مستقلاً می‌توانند در دارایی خود هر نوع تصرفی را انجام دهند، لذا سهم زن کمتر بوده و نصف سهم هر مرد می‌باشد. از سوی دیگر این تفاوت به نوعی کمک مالی به اقتصاد خانواده خواهد بود، این در صورتی است که از زنان انتظار نمی‌رود که به وضعیت مالی خانواده کمک نموده یعنی بر آنان واجب نیست، فلذا اگر چنین می‌نمایند باز هم از روح بزرگ و عاطفه و محبت سرشار و عشق آنان به خانواده نشأت گرفته است، نتیجه اینکه معقول به نظر می‌رسد که سهم مردان بیش از سهم زنان باشد تا مردان هم توفیق بیشتری در کسب درآمد و بهبود وضعیت خانواده داشته باشند و هم در کسب درآمد، در برهه‌ای از زمان مشقت کمتری را متحمل گردند.

از دیگر دلایل این اختلاف آن است که شارع اسلامی برای زنان نفقه و مهریه‌ای قرار داده است که تأمین آن بر مرد واجب بوده و لازم است که در صورت عدم وجود عذر آن را به همسر خود تقدیم نماید. به اصطلاح مرد در خارج از خانه کار می‌کند که نفقه‌ی همسر خود را به طور مستمر پرداخت نموده و هرگاه که زوجه اراده نماید، مهریه‌ی وی را نیز تقدیم کند؛ یعنی چنانچه زوجه، مهریه خود را مطالبه کند، زوج به عنوان مدیون مالی به زوجه، باید ادای دین کرده و به تعهد مالی خود عمل کند. حال در نظر بگیریید زنان از یک سو صاحب نفقه بوده و از سوی دیگر هرگاه که مطالبه نمایند



مهریه دریافت می کنند و چنانچه سهم الارث آنان نیز به اندازه مردان باشد، موازنه اقتصادی خانواده به هم خواهد خورد و مردان در تنگنای مالی قرار گرفته و در تأمین مایحتاج خانواده، دچار عسرو حرج می شوند.

برای هر زنی نفقه ای در نظر گرفته شده است که معمولاً کم و بیش توسط مردان تأمین و یا پرداخت می گردد، حال اگر زنی از دریافت آن و یا مطالبه ای آن صرف نظر می کند، آیا ایراد از قانونگذار است؟ همچنین مهریه! اگر زنی مهریه ی خود را مطالبه نمی نماید، آیا باز هم قانونگذار دارای مشکل می باشد؟ لذا حقوق زنان از دیدگاه اسلام بطور شفاف و کامل تعیین شده است و اگر زنی به دلایل مختلف از حقوق خود صرف نظر می کند، ایرادی بر شارع وارد نیست. با این اوصاف چنانچه سهم الارث مرد افزون بر سهم الارث زن باشد، نه تنها وضعیت مالی خانواده بهبود می یابد، بلکه مردان در تأمین نفقه و مهریه ی همسر خود، کمتر دچار بحران خواهند شد و در حقیقت آن بخش مازاد سهم الارث مرد، مجدداً به خانواده رسیده و به عبارتی کل آن سهم در خانواده تزریق می گردد، فلذا تفاوت در ارث نه تنها به ضرر زنان نیست، بلکه به نفع آنان نیز خواهد بود.

* سهم الارث زنان و مردان در فقه و قانون:

در آیه شریفه ۱۲ سوره ی مبارکه نساء، احکام ذیل در باب سهم الارث زوج و زوجه تشریح شده است:

(الف) چنانچه زوجه فوت نماید:

۱- اگر زوجه فرزندی نداشته باشد، "نصف" مالی که از زن باقی مانده است (ارث) به شوهر می رسد که ماده ۸۹۹ قانون مدنی نیز اشعار بر آن دارد.

۲- چنانچه زوجه صاحب فرزند باشد، "یک چهارم ماترک زوجه" به زوج خواهد رسید که در ماده ۹۰۰ قانون مدنی نیز آمده است.

(ب) چنانچه زوج فوت نماید:

۱- اگر زوج فاقد اولاد باشد، "یک چهارم ماترک زوج پس از ادای دیون زوج" به زوجه خواهد رسید که استناد ماده ۹۰۰ قانون مدنی نیز همین آیه شریفه است.

۲- اگر زوج صاحب فرزند باشد، سهم زوجه از ماترک زوج "یک هشتم" می باشد که ماده ۹۰۱ قانون مدنی نیز اشعار به همین موضوع دارد.

پس از فوت زوجه، در دو شکل مختلف، ارث به زوج می رسد. در صورت اول، در صورت فقدان فرزند، نیمی از میراث زن به مرد خواهد رسید که می توان علت آنرا چنین بیان کرد که معمولاً اموال زنان یا به ارث به آنان رسیده است و یا در طول ایام زندگی مشترک تحصیل شده که ممکن است بخشی از آن از محل نفقه و مهریه فراهم شده باشد. لذا نیمی از این اموال سهم همسر خود بوده و نیم دیگر ارث متوفی میان سایر طبقات ارث از جمله پدر، مادر، خواهران و برادران وی تقسیم می گردد. زیرا فرض در این موضوع، آن بود که زوج و زوجه فاقد فرزند بوده اند.



شکل دیگر این موضوع زمانی است که زوج و زوجه صاحب فرزند باشند که در این صورت "یک چهارم" از ماترک زوجه به شوهر رسیده و ما بقی آن میان فرزندان و سایر وراث طبقه اول نسب، تقسیم می‌گردد. در این فرض بخشی از ماترک متوفی که به همسر می‌رسد باعث بهبود وضعیت اقتصادی خانواده بجا مانده و بخشی دیگر از آن سرمایه‌ای برای زندگی آتی فرزندان خواهد شد. در حقیقت بخش بزرگی از اموال بجا مانده از مادر (در قالب میراث) در خانواده وی وارد و تقسیم شده و به اصطلاح بخش اعظمی از اموال خانواده در داخل خانواده باقی خواهد ماند.

اما در سایر صور که ارث از زوج به زوجه می‌رسد:

صورت اول: زمانی که زن و شوهر فاقد فرزند باشند:

در این صورت "یک چهارم" از میراث زوج، پس از ادای دیون وی به زوجه خواهد رسید و می‌دانید که مهریه پرداخت نشده به زوجه، در زمره‌ی این دیون خواهد بود، یعنی ابتدا از ماترک شوهر فوت شده باید حقوق مالی همسر وی جدا شده و به صاحب دین پرداخت گردد و سپس یک چهارم دیگر از ماترک، به وی ارث خواهد رسید. لذا همانگونه که ملاحظه می‌نمایید سهم الارث زوجه نه تنها کم نیست، بلکه میزان قابل توجهی خواهد شد. در نظر داشته باشید که نفقه معوقه زوجه با استناد به ماده ۱۲۰۶ قانون مدنی در زمره‌ی دیون ممتازه قرار داشته و با قیاس منصوص‌العله، سایر حقوق مالی زوجه نیز جزو دیون ممتاز قرار می‌گیرند و پس از فوت متوفی، جهت تصفیه ماترک، ابتدا دیون واجب، سپس دیون ممتازه و پس از آن دیون عادی تأدیه خواهد شد. لذا دیون زوجه نسبت به ماترک زوج، دین ممتاز بوده و مقدم بر سایر غرما می‌باشد.

صورت دوم: زمانی که زن و شوهر دارای فرزند باشند:

در این صورت نیز به زوجه ارث خواهد رسید ولیکن میزان آن "یک هشتم" خواهد بود که همانند صورت فوق پس از تأدیه مهریه به زوجه، میزان یک هشتم از ماترک نیز به عنوان سهم الارث به وی تعلق می‌یابد، لذا در این صورت نیز حق و حقوق زنان نه تنها تضييع نشده است، بلکه بطور کامل به وی پرداخت گردیده است.

کمتر شدن میزان سهم الارث زوج و زوجه، در صورت وجود فرزند بوده که فرزند متوفی حاجب نقصانی زوج و یا زوجه خواهد بود. در حقیقت حجب زوجین و تبدیل سهم الارث اعلی ایشان به سهم الارث ادنی، به نفع اقتصاد خانواده بوده و آینده‌ی فرزندان را به گونه‌ای تأمین خواهد کرد.

در موارد ذکر شده سعی گردید که تفاوت‌های دیه و سهم الارث زنان و مردان به گونه‌ای بیان شود که هر انسان عادلانه بتواند به حق مطلب پی‌برده و خود را از دایره اختلافات خارج نموده و هیزمی به آتش مخالفان و معاندان نیفزاید، زیرا کسانی که در پی ایجاد تفرقه و اختلاف بوده و در قالب به اصطلاح دلسوزی داعیه‌ی تضييع حقوق زنان را سر می‌دهند، هیچ دلیلی جز خودنمایی و مطرح نمودن خود نداشته و اگر احساس نمایند که در مورد این اختلاف، تابع و پیروی ندارند، بطور یقین به سراغ دلیل دیگری برای ایجاد نزاع و تفرقه خواهند رفت.

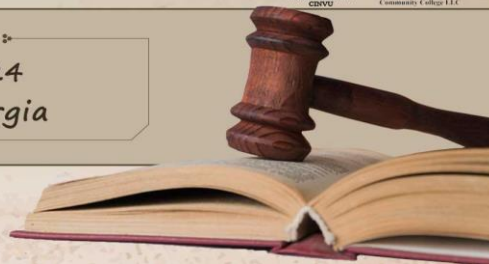


فصل چهارم- پرداخت مابه‌التفاوت دیه زنان در جرائم غیر عمدی

با تصویب شورای نگهبان، در جرائم غیر عمدی، مابه‌التفاوت دیه زن و مرد از محل صندوق تأمین خسارت‌های بدنی پرداخت می‌شود که این مهم در تبصره ذیل ماده ۵۵۱ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ نیز به تصویب رسیده است و با استناد به ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب سال ۱۳۹۵: «بیمه‌گر مکلف است در ایفاء تعهدات مندرج در این قانون خسارت وارده به زیان دیدگان را بدون لحاظ جنسیت و دین تا سقف تعهدات بیمه‌نامه پرداخت کند. مراجع قضائی موظفند در انشای حکم پرداخت دیه، مبلغ مازاد بر دیه موضوع این ماده را به عنوان بیمه حوادث درج کنند». همچنین مستند به ماده ۲۱ از همان قانون: «به منظور حمایت از زیان دیدگان حوادث ناشی از وسایل نقلیه، خسارت‌های بدنی وارد به اشخاص ثالث که به علت فقدان یا انقضای بیمه‌نامه، بطلان قرارداد بیمه، شناخته نشدن وسیله نقلیه مسبب حادثه، کسری پوشش بیمه‌نامه ناشی از افزایش مبلغ ریالی دیه یا تعلیق یا لغو پروانه فعالیت شرکت بیمه یا صدور حکم توقف یا ورشکستگی بیمه‌گر موضوع ماده (۲۲) این قانون، قابل پرداخت نباشد، یا به طور کلی خسارت‌های بدنی که خارج از تعهدات قانونی بیمه‌گر مطابق مقررات این قانون است به استثنای موارد مصرح در ماده (۱۷)، توسط صندوق مستقلی به نام «صندوق تأمین خسارت‌های بدنی» جبران می‌شود». بدین مضمون، برابری دیه زنان و مردان در جرائم غیر عمد قانونی شده ولی در خصوص جرائم عمد هنوز تعیین تکلیف نشده و در جرائم عمد، دیه زنان در ثلث و بیش از ثلث دیه کامل، نصف دیه مردان است که در ماده ۵۵۰ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ به مصداق قتل در این خصوص اشاره شده است و تبصره ماده ۵۵۱ از همان قانون بیان داشته «در کلیه جنایاتی که مجنی علیه مرد نیست، معادل تفاوت دیه تا سقف دیه مرد از صندوق تأمین خسارت‌های بدنی پرداخت می‌شود» که این تبصره، قانونی بودن پرداخت مابه‌التفاوت دیه زن و مرد از محل صندوق تأمین خسارت‌های بدنی را اثبات نموده است.

بر اساس رأی وحدت رویه شماره ۷۷۷ هیأت عمومی دیوان عالی کشور مابه‌التفاوت دیه زن با مرد پرداخت می‌شود. در رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور به تاریخ ۱۳۹۱/۰۲/۲۹ آمده است: «با عنایت به ماده ۲۸۹ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ در نحوه تقسیم بندی جنایت علیه نفس یا عضو یا منفعت و عمومیت مقررات تبصره ذیل ماده ۵۵۱ این قانون، نظر به این که مکلف شدن صندوق تأمین خسارت‌های بدنی به پرداخت معادل تفاوت دیه اناث تا سقف دیه ذکور امتثالی است، لذا در تمام جنایات علیه زنان اعم از نفس یا اعضا، مابه‌التفاوت دیه مربوطه به آنان باید از محل صندوق مذکور پرداخت شود».

با این اوصاف، در جنایات غیر عمدی، عملاً دیه مردان و زنان مساوی شده و تفاوتی در پرداخت دیه وجود ندارد، لیکن در خصوص جرائم عمدی، همچنان قاعده اصلی مجری بوده و هنوز توفیقی در پرداخت برابر دیه اناث و ذکور وجود ندارد. خوشبختانه تدوین طرح برابری دیه زن و مرد در دستور کار فراکسیون زنان مجلس قرار گرفته که در

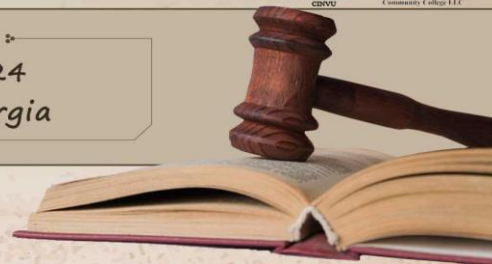


صورت ارائه و تصویب طرح یاد شده، قانوناً شاهد برابری دیه زنان و مردان در تمامی جرائم خواهیم بود که گام بلندی در عرصه قانونگذاری خواهد بود. در صورت تصویب این طرح، وحدت در پرداخت دیه حاصل و به تبع آن شرکت‌های بیمه‌ای موظف به پرداخت دیه مساوی به زنان و مردان شده و حتی با وصف پرداخت مابه‌التفاوت دیه از محل صندوق تامین خسارت‌های بدنی، دیه قتل و جرائم عمد نیز یکسان پرداخت خواهد شد.

نتیجه‌گیری

تفاوت دیه در مردان و زنان را نباید به دلیل نوع جنسیت یا برتری مردان بر زنان در دین مبین اسلام در نظر گرفت، زیرا شارع مقدس عادل بوده و عدالت وی ایجاب می‌کند انسان‌ها از هر حیث با یکدیگر برابر بوده و رجحان و برتری آنان بر اساس میزان تقوا محاسبه می‌شود و نه جنسیت. اما تفاوت دیه در زنان و مردان را می‌توان در کارکرد اقتصادی آنان جستجو کرد. اصل غلبه در جهان که نگاه به اکثریت می‌باشد؛ نان‌آوری را وظیفه مردان دانسته و تامین مایحتاج و نفقه خانواده از دیرباز در جهان بر عهده مردان گذارده است. در ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی نیز با استناد به منابع معتبر فقهی، نفقه زوجه را بر عهده مرد نهاده و در ماده ۱۱۰۷ از قانون یادشده، مصادیق نفقه تعیین شده است. همچنین در مواد ۱۱۹۹ و ۱۲۰۰ قانون مدنی نفقه فرزند را به پدر محول نموده و در صورت تمکن مالی وی، حتی پرداخت نفقه اقربا را نیز بر مرد لازم دانسته است. در صورتی که مرد از تادیه نفقه استنکاف نماید، مجبور به پرداخت نفقه شده و این موضوع، دارای وصف کیفری می‌باشد و حتی در صورت استنکاف زوج از پرداخت نفقه زوجه، قانونگذار برای وی مجازات حبس تعزیری درجه ۶ پیش‌بینی کرده است. به واقع کارکرد اقتصادی مرد باعث می‌شود در صورت فقدان وی، اولین آسیبی که به خانواده وارد گردد، آسیب مالی بوده در صورتی که در صورت فقدان زوجه یا مادر اولین آسیبی که به خانواده وارد می‌شود، آسیب شدید عاطفی خواهد بود که با هیچ وجه و مالی، جبران پذیر نبوده و با این وصف، تفاوت دیه زنان و مردان را می‌توان در کارکرد اقتصادی آنان در خانواده و جامعه جستجو نمود. اما آیا شارع مقدس در منابع شکلی حقوق اسلامی، میان دیه مرد و زن و ارث ذکور و اناث تفاوت قائل شده است؟ در تفاوت ارث میان ذکور و اناث، «کتاب» به عنوان اولین منبع تشریح و قانونگذاری، در آیات شریفه ۱۱ و ۱۲ سوره مبارکه نساء، حکم بر دو برابر بودن ارث ذکور نسبت به اناث صادر نموده ولی در تفاوت دیه زنان و مردان، دومین منبع شکلی حقوق اسلامی (سنت)، قانونگذاری کرده است و با تخصیص، تفسیر و تبیین آیات، میزان دیه زن و مرد را تا ثلث دیه کامل، برابر دانسته و از ثلث و بیشتر، دیه زن مسلمان را نصف دیه مرد مسلمان مورد حکم قرار داده است.

خداوند متعال در آیه شریفه ۹۲ از سوره مبارکه نساء، به طور صریح در خصوص قتل‌های غیر عمد اعم از شبه عمد و خطای محض، پرداخت دیه را تشریح و واجب نموده و تفاوتی میان دیه زن و مرد قائل نشده است، همچنین در آیه شریفه ۱۷۸ از سوره مبارکه بقره، وجوب دیه در قتل عمد بیان شده است و در هر دو آیه تفاوتی میان دیه زن و مرد وجود ندارد.



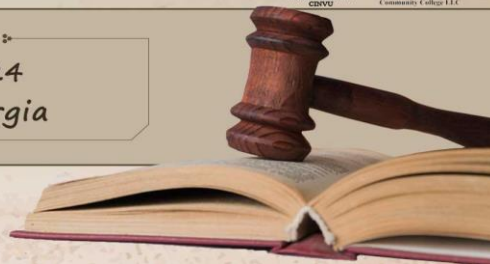
هرچند که شارع در تعیین مقدار دیه زنان و مردان سکوت نموده ولی این بدان معنا نیست که آیات مذکور ناسازگاری با تنصیف دیه زنان دارد؛ بلکه سازگاری با نصف بودن دیه زنان هم ندارد و این سکوت شارع را نمی‌توان حمل بر وجود تفاوت دیه میان این دو جنس عنوان کرد زیرا در مصادیق حدود شرعی نیز شارع متعال، مجازات زنان و مردان را یکسان عنوان نموده و تفاوتی میان آنها قائل نشده است. در آیه شریفه ۳۸ از سوره مبارکه مائده، مجازات قطع ید در سرقت‌های حدی بطور یکسان برای مردان و زنان تشریح شده و در آیات شریفه ۲ و ۴ از سوره مبارکه نور، حد زنا برای زانی و زانیه یکصد ضربه تازیانه تشریح گردیده و حد قذف برای هر دو جنسیت مونث و مذکر، ۸۰ ضربه تازیانه قانونگذاری شده است و ملاحظه می‌شود که از سوی شارع متعال در تبیین مجازات‌ها تفاوتی برای زنان و مردان وجود ندارد. با این وصف عدالت شارع مقدس در سایر مصادیق زندگی انسان‌ها ملموس بوده و ذات اقدس باری تعالی در حالت کلی حقوق مالی زنان و مردان را در دیه نیز یکسان و برابر تشریح نموده و این سکوت نیاز به تبیین و تفسیر ندارد. اگر خداوند رحمان، قصد تبیین تفاوت در حقی از حقوق مالی بین زنان و مردان را داشت، به طور صریح آن را اعلام و تشریح می‌نمود همانگونه که در تعیین فرض پسران و دختران متوفی و برادران و خواهران ابوینی و ابی، در آیه شریفه ۱۱ از سوره مبارکه نساء، سهم ارث ذکور دو برابر اناث تعیین شده است.

در خصوص بانوان نان‌آور خانواده ذکر این مهم ضروری است که شناسایی زنان موضوع این بحث و تکمیل آمار مربوط به آنان، کار مشکلی نیست، لذا ضمن تکمیل آمار، دسته بندی بانوان نان‌آور خانواده نیز امر سهلی خواهد بود. برای رسیدن به هدفی خاص، باید مشکلات رسیدن به هدف را نیز تحمل کرد، ضمن اینکه کمیته امداد حضرت امام خمینی (ره) آماری از زنان نان‌آور خانواده و تحت پوشش خود را در اختیار دارد، آن دسته از زنانی که در آمارهای کمیته امداد قرار ندارند نیز به سهولت قابل شناسایی هستند.

ضمن استعلام از سازمان‌ها، نهادها و ارگان‌ها نیز می‌توان، اطلاعات مربوطه را تکمیل نمود. حسن این کار در آن است که پس از شناسایی این دسته از زنان و بعد از رفع موانع قانونی، می‌توان دیه جنایات وارده بر آنان را بر اساس دیه مردان (دیه کامل) محاسبه کرد تا خانواده مجنی‌علیه، فقر اقتصادی پس از فقدان سرپرست خود را با شدت و حدت کمتری حس کنند.

براساس این راهکار، پس از آنکه مراحل قانونی برابری دیه کامل زنان نان‌آور و مردان سپری گردید، باعث خواهد شد در زمان بروز جنایت احتمالی، کار دستگاه قضایی سخت نبوده و با توجه به اسناد و سوابق موجود، حکم مربوطه را صادر نمایند.

با این اوصاف و با عنایت به مطالب ذکر شده، برابری دیه زنان و مردان، نه تنها نقض قوانین الهی نیست بلکه اثبات برابری دیه ذکور و اناث در جرائم وارده بر آنان می‌باشد که حاکی از عدل الهی است.



منابع

- ادریس، عوض احمد، ۱۳۷۷، دیه، ترجمه: فیض، علیرضا، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ارجمند دانش، جعفر، ۱۳۹۲، ترمینولوژی حقوق جزای اسلامی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات بهنامی.
- اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۹۲، حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات بنیاد حقوقی میزان.
- برهانی، محسن و لطفعلی زاده، الهه، ۱۴۰۱، تأملات، شرحی بر قانون مجازات اسلامی، تهران، انتشارات مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
- توجهی، عبدالعلی، ۱۳۹۶، آسیب شناسی قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، تهران، انتشارات مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۸۶، ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات گنج دانش.
- جمشیدی، مجید، ۱۳۹۰، دیه و ارش، تهران، موسسه فرهنگی و انتشاراتی نگاه بینه.
- جمعی از محققان، ۱۳۸۹، فرهنگ نامه اصول فقه، چاپ اول، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (حوزه علمیه قم).
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۴۰۰، زن در آینه جلال و جمال، چاپ ۲۷، قم، انتشارات اسراء.
- خمینی، روح الله، ۱۳۸۴، تحریرالوسیله، چاپ دوم، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- ذهنی تهرانی، سیدمحمد جواد، ۱۳۷۱، المباحث الفقهیه فی شرح الروضه البهیة، جلد ۲۹ و ۳۰، قم، انتشارات وجدانی.
- شیروانی، علی، ۱۳۸۵، ترجمه و تبیین شرح لمعه، جلد ۱۴، قم، انتشارات دارالعلم.
- عابدی، احمدرضا، ۱۳۹۷، نگرشی کاربردی به دیات، تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
- عزتی لطف، بهزاد؛ طالبی، جلال، ۱۳۹۸، محشای مجموعه قوانین و مقررات مجازات اسلامی، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
- فرهنگ فقه فارسی مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ۱۳۸۷، جلد ۳، قم، دایره المعارف فقه اسلام.
- قبله ای خوبی، خلیل، ۱۳۸۷، آیات الاحکام (حقوق مدنی و جزایی)، چاپ چهارم، تهران، انتشارات سمت.
- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۷، دوره مقدماتی حقوق مدنی: ارث، تهران، نشر میزان.
- گرگی، ابوالقاسم، ۱۳۸۰، دیات، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- گرگی، ابوالقاسم، ۱۳۸۳، آیات الاحکام (حقوقی و جزایی)، تهران، نشر میزان.
- گروه پژوهشی، ۱۳۹۷، صندوق خسارات بدنی در رویه دادگاهها، چاپ اول، تهران، انتشارات چراغ دانش.
- گلدوزیان، ایرج، ۱۴۰۰، محشای قانون مجازات اسلامی، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- لطفی، اسدالله، ۱۴۰۲، ترجمه مباحث حقوقی شرح لمعه، چاپ چهاردهم، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد.



محمدی، ابوالحسن، ۱۳۸۵، مبانی استنباط حقوق اسلامی، چاپ بیست و سوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
مسجد سرابی، حمید، ۱۳۹۳، ترمینولوژی فقه، چاپ دوم، تهران، انتشارات روایت نو.
شهید ثانی، زین الدین بن علی، ۱۳۸۴، الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه، چاپ هفتم، قم، انتشارات جعفری.
قرآن کریم، آیه شریفه ۷، سوره مبارکه نساء.
قرآن کریم، آیه شریفه ۱۱، سوره مبارکه نساء.
قرآن کریم، آیه شریفه ۱۲، سوره مبارکه نساء.
قرآن کریم، آیه شریفه ۹۲، سوره مبارکه نساء.
قرآن کریم، آیه شریفه ۱۷۸، سوره مبارکه بقره.
قرآن کریم، آیه شریفه ۳۸، سوره مبارکه مائده.
قرآن کریم، آیه شریفه ۲، سوره مبارکه نور.
قرآن کریم، آیه شریفه ۴، سوره مبارکه نور.
قرآن کریم، آیه شریفه ۶، سوره مبارکه مائده.
قانون مجازات اسلامی، مصوب سال ۱۳۹۲.
قانون مدنی.

قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب سال ۱۳۹۵.
رأی وحدت رویه شماره ۷۷۷ هیات عمومی دیوان عالی کشور به تاریخ ۹۸/۰۲/۳۱.
میرمدرس، سید موسی، ۱۳۹۲، مفهوم و ماهیت دیه از منظر فقه و حقوق اسلامی، فقه، کاوشی نو در فقه اسلامی، دوره ۲۰، شماره ۷۷.

درس خارج اصول، آیت الله سید احمد خاتمی، ۱۴۰۱/۰۳/۱۰، ارتباط شیعی، مدرسه فقهات.
درس خارج اصول، آیت الله محمد جواد فاضل لنکرانی، ۱۳۸۴/۰۹/۱۵، fazellankarani.com.
درس خارج اصول، آیت الله مظاهری، ۱۳۹۶/۰۲/۱۸، ارتباط شیعی، مدرسه فقهات.